

شب قدر شب نزول قرآن بر پیامبر اسلام (ص) است. قرآن کریم به دو گونه نازل شده است: ۱) نزول یکباره در یک شب معین. ۲) نزول تدریجی در طول بیست و سه سال نبوت پیامبر اکرم (ص). قرآن کریم در یک شب مبارک در ماه رمضان که همان شب قدر است نازل شده است. پس شب قدر در ماه رمضان است. اما این که کدام یک از شب‌های ماه رمضان شب قدر است (شب ۱۹، ۲۱ یا ۲۳ رمضان)، در قرآن کریم چیزی بر آن دلالت ندارد. شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و سالی که قرآن در آن نازل شد نیست بلکه با تکرار سالها، آن شب نیز تکرار می‌شود.

خصوصیات شب قدر

از خصوصیات شب قدر نزول قرآن، نزول فرشتگان و روح بر ولی خدا است. یعنی در هر ماه رمضان شب قدری است که در آن شب امور سال آینده تقدیر می‌شود. خداوند متعال در این شب حوادث یک سال را تقدیر می‌کند و زندگی، مرگ، رزق، سعادت و شقاوت انسانها و اموری از این قبیل را در این شب مقدر می‌گرداند. در این شب ملائکه و روح از عالم امر به زمین می‌آیند و تقدیر هر یک از انسانها به امضای امام زمان (ع) میرسد. به روایت حدیثی از امام صادق (ع) اشاره می‌کنیم که فرمود: شب نوزدهم شب تقدیر است و شب بیست و یکم شب بستن و تعیین و احکام است و شب بیست و سوم شب حتمی شدن و امضای آن است.

آیا شب قدر با ایام شهادت علی (ع) ربط دارد؟

قبل از آنکه حضرت علی (ع) به دنیا بیاید شب قدر وجود داشته، ولی از این جهت که ایام شهادت علی (ع) با شبهای قدر همراه شده به خاطر عظمت علی (ع) و مقام والای این شخصیت است که در بهترین ساعات سال از دنیا رفته است. و به تعبیری در بهترین و با فضیلت ترین ساعات ولحظات و مبارکترین اوقات به لقاء پروردگار رسیده است. همانطور که ولادت او در بهترین ساعات و بهترین مکان صورت گرفته عروج او هم می‌بایست در بهترین ساعات و اوقات باشد که بلکه به عظمت علی (ع) پی ببرند و غافل نشوند که شبهای قدر هم به یاد علی (ع) باشند و با توسل به او به درک واقعی این شب نایل شوند. «خداوند او را در این لیلی مبارک پیش خودش برد تا ما به مقام والای علی پی ببریم و در بهترین اوقات سال و مبارکترین زمانها با یاد بهترین و ارزشمندترین انسان به خدا نزدیک شویم». چرا که شب قدر، شب قرآن و اهل بیت است.

هر کس شب قدر را درست درک کند، به توحید رسیده است. این شب حداقل مقدمه ای بشود که ما متوجه باشیم کجا هستیم و چه باید بخواهیم. از اعمال این شب؛ طهارت و پاکی و غسل است. دعای جوشن کبیر است که با اسماء خداوند ارتباط برقرار میکنیم و خدا را یاد میکنیم و از او درخواست میکنیم. لعن قاتل امیرالمؤمنین (ع) است. در واقع این برائت از دشمنان امیرالمؤمنین ما را در حوزه ولایت الله وارد میکند. در آخر هم قرآن به سر می‌گیریم؛ یک دست قرآن است و از طرفی دیگر هم خداوند را به اهل بیت (ع) سوگند میدهیم. شروع این شب، طهارت و پاک شدن است و بعد خداوند را به اسمانش خواستن و سپس خدا را به قرآن و اهل بیت سوگند دادن است. همه اینها یک چیز است. شب قدر شب قرآن و اهل بیت (ع) است. اصلاً نمیشود بدون اهل بیت به سوی خدا رفت.

شب قدر، شب اندازه ها و نسبتها است. امشب قرار است همه چیز با نسبت دیگری سنجیده شود. شبی که اعمال ضرب در هزار میشود و بالا برده میشود. اندازه آدمها با هم فرق میکند. برای همین است که آدمها در این شب چیزهای مختلفی میگیرند و می‌برند و به فهم و درک و شعور خودشان از این شب بستگی دارد. امشب مثل يك اقیانوس است، یکی به اندازه يك استکان آب می‌برد و یکی به اندازه يك استخر. اصلاً قدر یعنی اندازه.

ما اول باید نسبتهایی را بفهمیم؛ اولاً ما کجا هستیم؟ اکثر ما درک صحیحی از جایگاه خودمان نداریم. اصلاً درک صحیحی از گناहانی که انجام میدهیم و حتی درک صحیحی از خدا نداریم.

ما خود خواه هستیم، خداخواه نیستیم، برای همین هم خواسته هایمان در شب قدر خودخواهانه است و به همین دلیل رشد نمیکنیم. نهایتاً یک استکان آب از آن دریا میبریم. امشب شب این است که خودت را کنار بگذاری؛ هرآنچه تا الان نسبت سنجی کردیم، نسبت به خودمان و بر مبنای منیت و بر مبنای شیطان بوده است اما چقدر نسبت به خدا سنجیدیم؟

ما خودمان را می خواهیم و همیشه هم همه چیز را نسبت به خودمان می سنجیم. یعنی تمام اتفاقات باید در راستای رسیدن ما به تمایلات خودمان تفسیر شود، مثلاً اگر سیل بیاید، طرف سریع بیرون را نگاه می کند ببیند، ماشینش هست یا نه، با ماشین بقیه کاری ندارد. این آدم علاوه بر خودخواه، خودبین هم هست. حکایت ما حکایت کسی است که چهار رکعت نماز که میخوانیم، تا چند تا بی نماز میبینیم، میگویم: خب جای ما که خوب است، ما بهشت نرویم، کی برود. اما اگر شما نوك قله ها را ببینید و نگاهتان این باشد که تا اینجا هم که بالا آمد، کار خودم نبوده و توفیقی از جانب خدای مهربان بوده است.

نقطه مقابل خودخواهی، "خداخواهی" است. از امشب تصمیم بگیریم که همه چیز را نسبت به او خواهیم سنجید و قدر ما اوست. برای خدا محو شدن. اول صفات عظمت و جلال خداوند را در ذهنتان بیاید؛ صفاتی که یادت نرود مقابل چه کسی ایستاده ای، کسی که اگر اراده بکند زمین و زمان کن فیکون می شود. ذکر عظمت خدا و زنده نگهداشتن یاد عظمت خدا، قلب را زنده می کند. باید دست و پایت از اینکه جلوی چنین خدایی ایستاده ای، بلرزد. اهل بیت (ع)، همانهایی که سه روز افطاری شان را به مسکین و یتیم و اسیر دادند؛ چون از قیامت می ترسیدند. امیرالمؤمنین (ع) میفرماید: خدایا اگر ذره ای عنایتت را از علی برداری، علی وسط جهنم است. چه کسی؟ امام علی (ع)!

به این فکر کن که اگر تمام خوبی های جن و انس را هم انجام داده باشی، ولی امکان کله پاشدنت هست. فلذا باید بترسی، هر شب اشك بریزی که خدا توفیق را از تو نگیرد. آن کسی که کشته شده است و بالا می برد، فقط اوست. اگر بخواهد با عدالت برخورد بکند، تقریباً چیزی نداریم. حالا عکسش هم هست؛ که اگر تمام گناهان روی کره زمین را داری؛ گناه جن انس روی همدیگر بیشتر است یا مغفرت خدا؟ قطعاً مغفرت خدا. یعنی خوف و رجا را باید با هم داشته باشید.

امشب قدر و نسبت را تغییر بده و اگر تا الان مبنای این مختصات و مرکز پرگار را "خودت" گذاشته بودی، از امروز ان را "خدا" قرار بده بگو: من عین بچه ای هستم که نمیدانم چه چیزی برایم خوب است. اعتماد کنیم که او از پدر و مادر برای ما دل سوزتر است. امام رضا (ع) در تعریف امام میفرماید: "امام پدری که دوستت دارد و معصوم است. پدر و مادرهای ما معصوم نیستند و اگر میگویند: این کار را نکن: بر مبنای تجربه میگویند. حالا کسی را پدر خودت فرض کن که او صددرصد و تا انتها را دارد میبیند. آقا رسول الله فرمودند؛ من و علی پدران این امت هستیم. امشب اعمالمان را به پدر خودمان عرضه کنیم و بگوییم: آقا دست ما را بگیر، من نگرانم، نکند از من امثال ابنملجم دریابید، از عاقبتمان بترسیم. این خوف و رجا باید کنار هم باشد، بترسیم از اینکه اگر تمام خوبی های عالم را داشته باشیم، ممکن است

به یک لحظه از دست برود. و از آن طرف امید به رحمت خداوند، که امشب شب رحمت است و مغفرت.